

چگونگی شخصیت‌پردازی امام مهدی علیه السلام در فیلم‌نامه

سعید بختیاری سلطانی*

چکیده

آخرین امام معصوم از سلسله جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در قید حیات است و به صورت ناشناس در میان مسلمانان زندگی می‌کند تا در موعد مشخص، رهبری آنان را به عهده گیرد. اطلاعاتی که درباره امام مهدی علیه السلام وجود دارد، در قالب احادیث و روایات مکتوب آمده است. در گذشته، حتی پیش از تولد امام دوازدهم، عالمی بودند که معارف مهدوی را به صورت مکتوب از نسلی به نسل بعد منتقل می‌کردند. اینان از طریق برهان و استدلال با خرافه‌سازان و شبهه‌افکنان عصر خود به ستیز و رویارویی برمی‌خاستند. با این حال، در دنیای مدرن امروزی که مهم‌ترین رسانه‌های ارتباطی بر پایه تصاویر بنیان گرفته است، چگونه می‌توان برای حفظ و تبلیغ فرهنگ مهدوی تلاش کرد؟ با توجه به آن که سینما و تلویزیون، رسانه‌های متکی به تصویر هستند، آیا درباره وجود و حضور امام مهدی علیه السلام می‌توان فیلم ساخت؟ اگر چنین شود، شخصیت امام مهدی علیه السلام چگونه باید تصویر شود؟

چون بحث ما در مورد نگارش فیلم‌نامه‌ای از نوع شخصیت‌محور است، ابتدا جنبه‌های مختلف شخصیت‌نمایی از منابع مکتوب، استخراج گردید. سپس آن بخش از احادیث و روایات معتبر مهدوی که شخصیت امام مهدی علیه السلام را در غیبت بزرگ توصیف کرده‌اند، از نظر وجود این ویژگی‌ها بررسی شد. یکی از کنش‌های مهم شخصیت امام مهدی علیه السلام در دوران غیبت بزرگ، پنهان کردن هویت خود از مردم است. در نتیجه، مشاهده و ارتباط مردم با حضرت ممکن نیست. از این‌رو، در فیلم‌نامه‌ای که داستان آن در زمان حال (دوران غیبت بزرگ) جریان دارد، نمی‌توان شخصیتی را با هویت مشخص به عنوان امام مهدی علیه السلام در نظر گرفت. در این صورت، فیلم‌نامه‌نویس از طریق محدوده مجاز پرداخت شخصیت حضرت و الگوهای خاص می‌تواند شخصیت امام مهدی علیه السلام را به‌طور «غیرمستقیم» در فیلم‌نامه معرفی کند.

واژگان کلیدی

سینما، فیلم‌نامه، شخصیت‌پردازی، امام مهدی علیه السلام، غیبت بزرگ.

مقدمه

بنا بر اعتقاد شیعیان، در عصر حاضر، رهبری مسلمانان به عهده امام مهدی علیه السلام، آخرین بازمانده از نسل پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. خدای بزرگ با قدرت بی پایان خود، عمری طولانی به ایشان بخشیده و به حضرت فرمان داده است به صورت پنهان و ناشناس زندگی کند تا اوضاع عمومی جهان برای پذیرش حکومت حق و عدالت آماده گردد.

زندگی پنهانی امام مهدی علیه السلام به دو بخش تقسیم می شود: غیبت کوچک و غیبت بزرگ. در دوران غیبت کوچک، ارتباط با حضرت از طریق نایبان خاص انجام می شد. در این دوره، چهار نفر نیابت خاص حضرت را به عهده داشتند که هر یک پس از فوت دیگری، این وظیفه را به انجام رساندند. این دوره با مرگ آخرین نایب امام، علی بن محمد سمری در شعبان 329 هـ ق به پایان می رسد. شش روز پیش از مرگ وی، نوشته ای از سوی حضرت مهدی علیه السلام صادر می شود، مبنی بر این که کسی را به عنوان جانشین خود انتخاب نکند. در پایان این نامه چنین آمده بود:

و به زودی از شیعیان من کسانی می آیند که ادعای مشاهده خواهند کرد. آگاه باشید هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی، ادعای مشاهده کند، او دروغ گوی افترازننده است.^۱

این آخرین پیام و سخنی است که از جانب حضرت صادر شده و به وسیله آخرین نایب ایشان به ما رسیده است. ما در دورانی زندگی می کنیم که امام مهدی علیه السلام غایب است. وجود انواع مشغولیت های زندگی از یک سو و ارتباط نداشتن با امام مهدی علیه السلام از سوی دیگر، زمینه مناسب برای غفلت از ایشان را فراهم می سازد. از این رو، لزوم پرداختن به شخصیت امام مهدی علیه السلام در رسانه های ارتباط جمعی، برای مصون نگه داشتن وجود و حضور ایشان از آفت فراموشی، امری جدی و ضروری است.

درباره نمایشی کردن شخصیت امام مهدی علیه السلام در فیلم نامه ای که داستان آن در زمان حال می گذرد؛ با دو مسئله اساسی روبه رو هستیم: نخست آن که هویت حضرت پنهان است و به صورت ناشناس زندگی می کنند. در نتیجه، امکان ارتباط و مشاهده حضرت میسر نیست. به عبارت دیگر، نمی توان شخصیت حضرت را با هویت مشخص، به صورت مستقیم و عینی ارائه کرد. دوم آن که به دلیل معصوم بودن ایشان، تغییر و تحول در شخصیت حضرت وجود ندارد. بنابراین، چگونه می توان شخصیت امام مهدی علیه السلام را به عنوان شخصیت اصلی و پیش برنده داستان مطرح کرد؟ با توجه به این که سینما و تلویزیون، رسانه های متکی به تصویر هستند، آیا می توان درباره وجود و حضور امام مهدی علیه السلام فیلم یا برنامه ساخت و ایشان را نشان داد؟ آیا امکان ترسیم شخصیت نمایشی از امام

مهدی علیه السلام وجود دارد؟ آیا بر اساس جنبه‌های نمایشی شخصیت امام مهدی علیه السلام می‌توان فیلم‌نامه نوشت؟

از این‌رو، لازم است برای یافتن راه‌حل مناسب جهت پرداخت شخصیت امام مهدی علیه السلام در فیلم‌نامه، جنبه‌های مختلف شخصیت حضرت به‌طور دقیق و با استناد به احادیث و روایات معتبری که در مورد ایشان وجود دارد، بررسی و استخراج شود تا از این طریق، محدوده شخصیت‌پردازی حضرت و راه‌حل‌های مناسب برای این کار روشن گردد.

پیشینه تحقیق

مطالعه تحقیقات مشابه و مرتبط با موضوع می‌تواند در انتخاب روش تحقیق مناسب و درست، راه‌گشا باشد. پرداختن به شخصیت امام مهدی علیه السلام در سینما و تلویزیون به یافتن راه و روش مناسب نیاز دارد؛ چون از یک‌سو، قواعد و قراردادهای درام غربی _ که از زمان ارسطو تا به امروز جریان داشته است _ خصوصیات را برای شخصیت معرفی می‌کند که وجود آن‌ها برای شکل‌گیری درام ضروری است. از سوی دیگر، قرار دادن شخصیت امام در فضای درام غربی و انجام تغییرات لازم برای نمایشی کردن شخصیت ایشان، با خصوصیات ویژه شخصیت معصوم، تضاد و تناقض دارد. در کتاب‌های فیلم‌نامه‌نویسی درباره چگونگی اقتباس از منابع مختلف صحبت شده است. در این آثار که بیش‌تر آن‌ها ترجمه هستند، معرفی منابع برای اقتباس از «زندگی‌نامه» و «ماجراهای واقعی» که در فرآیند اقتباس از آن‌ها محدودیتی برای انجام تغییرات در دست‌مایه در نظر گرفته نمی‌شود. نویسنده آزاد است تا برای تقویت خط داستان اصلی، فرعی، شخصیت‌ها، ماجراها و ... تغییرات لازم را اعمال کند.

استفاده از این شیوه برای تصویر کردن زندگی پیشوایان دین که انتقال صادقانه وقایع زندگی آن‌ها ضروری است، کار آمد نیست؛ چون روشی متناسب با این نوع شخصیت‌های ویژه معرفی نمی‌شود. ثبت وقایع زندگی پیشوایان دینی به عنوان الگویی برای پیروانشان از اهمیت بالایی برخوردار است. از این‌رو، توجه به حفظ و نگهداری آن از دخل و تصرف از ضروریات به حساب می‌آید. اطلاعاتی که درباره زندگی و شخصیت امام مهدی علیه السلام وجود دارد، به‌صورت احادیث و روایات مکتوب در دسترس ماست. با توجه به مقتضیات عصر حاضر که فرهنگ نوشتاری جای خود را به فرهنگ تصویری داده است، در زمینه انتقال فرهنگ مهدوی به قالب تصویر، فعالیت روش‌مندی انجام نشده است. از این‌رو، آثاری که به‌گونه‌ای با این موضوع مشابهت داشت، بررسی شد. این آثار عبارتند از:

1. رحمت‌الله امیدوار، *خورشید در قاب: پژوهشی پیرامون تصویرگری معصومین در سینما*، تهران، سوره مهر (حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی)، 1384.
2. مهدی ارجمند، *تبدیل و تحول متن مذهبی به متن دراماتیک*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، 1378.
3. صلاح استتی، «اسلام و تصویر»، ترجمه: محمدسعید محصی، فصل‌نامه *نقد سینما*، تابستان 1375.
4. جلال ال شرکای، «عرضه تصویر پیامبر اسلام بر روی پرده سینما»، ترجمه: محمدسعید محصی، فصل‌نامه *نقد سینما*، تابستان 1375.
5. «نمایش انبیا و امامان در سینما از دیدگاه فقیهان»، فصل‌نامه *نقد سینما*، تابستان 1376.

روش تحقیق

انتخاب صحیح روش پژوهش در کار تحقیق بسیار بااهمیت است؛ چون به‌کارگیری روش تحقیق مناسب سبب کشف حقیقت می‌شود و استفاده از روش نامناسب به قلب حقیقت می‌انجامد.^۲ هنگام انتخاب روش پژوهش چند عامل در نظر گرفته می‌شود: میزان ارتباط نتایج به دست آمده با موضوع تحقیق، صحت نتایج، دقت روش تحقیق، زمان لازم برای رسیدن به نتیجه، پرسنل و تجهیزات مورد نیاز، قابل قبول بودن روش از نظر ملاحظات اخلاقی و ...^۳ با توجه به این که اطلاعات موجود و مورد نیاز این تحقیق از نوع نوشته است، روش اسنادی یا کتابخانه‌ای انتخاب و به‌کار گرفته شد. از میان روش‌های متداول بررسی اطلاعات نیز از دو روش «تحلیل» و «مقایسه» استفاده کردیم. «تحلیل یک مسئله مانند این است که آن را در زیر میکروسکوپ قرار دهیم و اجزای تشکیل‌دهنده آن را تشریح کنیم»^۴ همچنین «مقایسه یعنی در مقابل هم قرار دادن نقاط مشترک دو مسئله»^۵.

با توجه به موضوع تحقیق که «چگونگی شخصیت‌پردازی امام مهدی علیه السلام در فیلم‌نامه» است، آثار مکتوب فارسی درباره فیلم‌نامه‌نویسی و نمایش‌نامه‌نویسی، مطالعه و فهرستی از جنبه‌های مختلف «شخصیت‌نمایشی» تنظیم شد تا میزانی برای مقایسه و مطابقت با شخصیت امام دوازدهم فراهم شود. درباره زندگی و شخصیت امام مهدی علیه السلام دو منبع وجود دارد: «تاریخ» و «حدیث». استفاده از تاریخ به‌ویژه هنگامی که داستان فیلم‌نامه به دوران غیبت بزرگ مربوط باشد، کارکردی نخواهد داشت؛ چون آن‌چه در منابع تاریخی در مورد امام مهدی علیه السلام قابل استناد است، به دوران غیبت

کوچک و پیش از آن مربوط است. در احادیث مهدوی، زندگی امام مهدی علیه السلام در دوران غیبت بزرگ نیز توصیف شده است.

چون در این تحقیق، یافتن جنبه‌های نمایشی شخصیت امام مهدی علیه السلام در دوران غیبت بزرگ مورد نظر ماست، احادیث مهدوی به‌عنوان منبع مناسب برای کسب اطلاعات مورد نیاز انتخاب شد. این احادیث بر اساس جنبه‌های مختلف «شخصیت‌نمایشی» بررسی شد. احادیث استفاده شده در این بخش به توصیف زندگی و شخصیت امام مهدی علیه السلام در دوران غیبت بزرگ اختصاص داشتند. علاوه بر این، احادیثی وجود دارد که موضوع آن به دوران غیبت کوچک مربوط است، اما جنبه‌هایی از شخصیت حضرت را در بر دارد که به دوران غیبت بزرگ قابل تعمیم است. از این‌رو، این دسته از احادیث نیز بررسی شد. اطلاعات مربوط به امام دوازدهم، حضرت مهدی علیه السلام در قالب قطعات و نوشته‌های کوتاهی به نام «حدیث» قرار دارد. هر حدیث دربردارنده گفتار یا رفتار معصوم است. کتاب‌هایی که دربردارنده احادیث مهدوی هستند، به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) کتاب‌های حدیث که قدمت نگارش و تدوین آن‌ها به قرون اولیه اسلام باز می‌گردد. جمع‌آوری احادیث مربوط به امام دوازدهم، حضرت مهدی علیه السلام هم در میان اهل سنت و هم در بین شیعیان معمول بوده است. در این نوع از کتاب‌ها، احادیث مربوط به امام مهدی علیه السلام گردآوری و بر اساس موضوعات مطرح در زندگی ایشان منظم شده است. تألیف کتاب‌های حدیثی مربوط به امام مهدی علیه السلام از قرون اولیه تا زمان حال ادامه داشته است. این سخن به این مفهوم نیست که احادیث تازه‌ای در هر دوره و با هر تألیف به مجموعه احادیث مهدوی اضافه می‌گردد، بلکه این آثار به تنظیم، گردآوری، تفسیر و بررسی احادیث نقل شده درباره امام مهدی علیه السلام محدود می‌شود. از نظر تاریخی، آخرین اطلاعات معتبر و ضبط شده (مکتوب) درباره حضرت تا پایان دوران غیبت کوچک (سال 329 هـ ق) ادامه می‌یابد.

از جمله این تألیفات می‌توان به جلد سیزدهم از مجموعه *بحار الانوار* نوشته دانشمند قرن یازدهم هجری قمری، علامه محمدباقر مجلسی اشاره کرد که حدود 1200 حدیث مربوط به امام مهدی علیه السلام را از کتاب‌های حدیثی راویان قبلی گردآوری کرده است.^۶ در زمان حاضر می‌توان از کتاب *معجم الاحادیث الامام المهدی علیه السلام* یاد کرد که زیر نظر حجت‌الاسلام علی کورانی به زبان عربی تألیف گردیده است. در این کتاب _ تاجلد پنجم آن _ حدود 1941 حدیث درباره امام مهدی علیه السلام گردآوری و نقل شده است. در تهیه این اثر از همه آثاری که به‌طور کامل یا بخشی از آن‌ها دربردارنده احادیث

مربوط به امام مهدی علیه السلام بوده، استفاده شده است. از جمله ویژگی‌های برجسته این اثر، بررسی و مشخص کردن مصادر هر حدیث است. روش کار به این صورت است که درباره موضوع مورد نظر ابتدا آیه‌ای از قرآن آورده می‌شود که از نظر شأن نزول و تفسیر با یکی از موضوعات مهدویت ارتباط دارد. سپس احادیثی که تفسیر آیه را دربردارند، ذکر می‌شود و مصادر آن ذیل هر حدیث می‌آید. ابتدا مصدر اصلی و اولیه (قدیمی‌ترین و اولین نسخه مکتوب از حدیث) ذکر می‌گردد. سپس بقیه مصادری که از همان مرجع اولیه در کتاب خود نقل کرده‌اند، فهرست می‌شود.^۷

ب) آثاری که درباره موضوعاتی خاص از فرهنگ مهدوی تألیف شده‌اند. در برخی از این آثار با استناد به احادیث به تفسیر و تحلیل موضوعی خاص پرداخته شده است. این آثار طیف گسترده‌ای را از نظر موضوع، نویسنده و ارزش علمی دربر می‌گیرند. درباره فهرست این آثار به دو کتاب‌شناسی درباره موضوع مهدویت مراجعه شد: در کتاب *در جست‌وجوی قائم* تألیف سیدمجید پورطباطبایی، تعداد 1852 جلد کتاب درباره امام مهدی علیه السلام فهرست شده است. در کتاب *نامه حضرت مهدی علیه السلام* نوشته علی‌اکبر مهدی‌پور، بیش از 2000 عنوان کتاب مستقل به زبان‌های مختلف در مورد امام مهدی علیه السلام معرفی شده است. منابع دست اول در این تحقیق که به‌طور مستقیم به موضوع پژوهش مربوط می‌شوند، گروه اول از کتاب‌های حدیثی هستند. در مواردی برای ارائه توضیح‌های بیش‌تر درباره یک موضوع، از گروه دوم تألیفات مهدوی به عنوان منابع دست‌دوم استفاده شده است.

چارچوب نظری

فیلم‌نامه، الگویی فنی برای تولید فیلم است که داستان از طریق رفتار و گفتار شخصیت‌ها، در قالب تصویر و صدا روایت می‌شود. داستان فیلم‌نامه از دو بخش اصلی تشکیل می‌یابد: اول، شخصیت؛ دوم، موقعیت. رابطه میان موقعیت و شخصیت را می‌توان این‌گونه تصور کرد: «موقعیت»، اقیانوس بی‌کرانی است که ماهی «شخصیت» همه عمر در آن غوطه‌ور است.^۸ از این‌رو، فیلم‌نامه را به دو نوع «موقعیت‌محور» و «شخصیت‌محور» می‌توان تقسیم کرد. «در درام شخصیت، این شخصیت است که تعیین‌کننده شرایط موقعیت است و در درام موقعیت، موقعیت، شرایط واکنش شخصیت را تحت تأثیر خود می‌گیرد.»^۹

اولین مرحله خلق هر شخصیتی، تحقیق است.^{۱۰} تحقیق درباره شخصیت، دو نوع اطلاعات کلی و جزئی را دربر می‌گیرد.^{۱۱} اطلاعات کلی در شکل‌گیری خطوط اصلی و محوری شخصیت نقش ایفا می‌کنند و اطلاعات جزئی در پرداخت واقع‌نمایانه از شخصیت مؤثر هستند.^{۱۲} رفتار، گفتار و موقعیت

فعلی شخصیت، محصول گذشته اوست و آنچه در حال انجام می‌دهد، آینده او را شکل می‌دهد.^{۱۳} منظور از تحقیق و شناخت شخصیت برای نگارش فیلم‌نامه آن است که زندگی شخصیت واقعی را از نظر وجود ساختمان و اجزای شخصیت نمایشی بررسی کنیم تا از این طریق، جنبه‌های نمایشی شخصیت واقعی را کشف کنیم و به کار گیریم. از این‌رو، شناخت بخش‌های اصلی و اجزای سازنده «شخصیت نمایشی» ضروری است. اجزا و عناصر سازنده شخصیت نمایشی شبیه شخصیت واقعی است، اما به صورتی موجز و خلاصه‌تر به گونه‌ای که نقش هر عنصر در عینیت یافتن «شخصیت» عملکرد اهمیت اساسی دارد. شخصیت نمایشی از سه بخش اصلی تشکیل شده است:

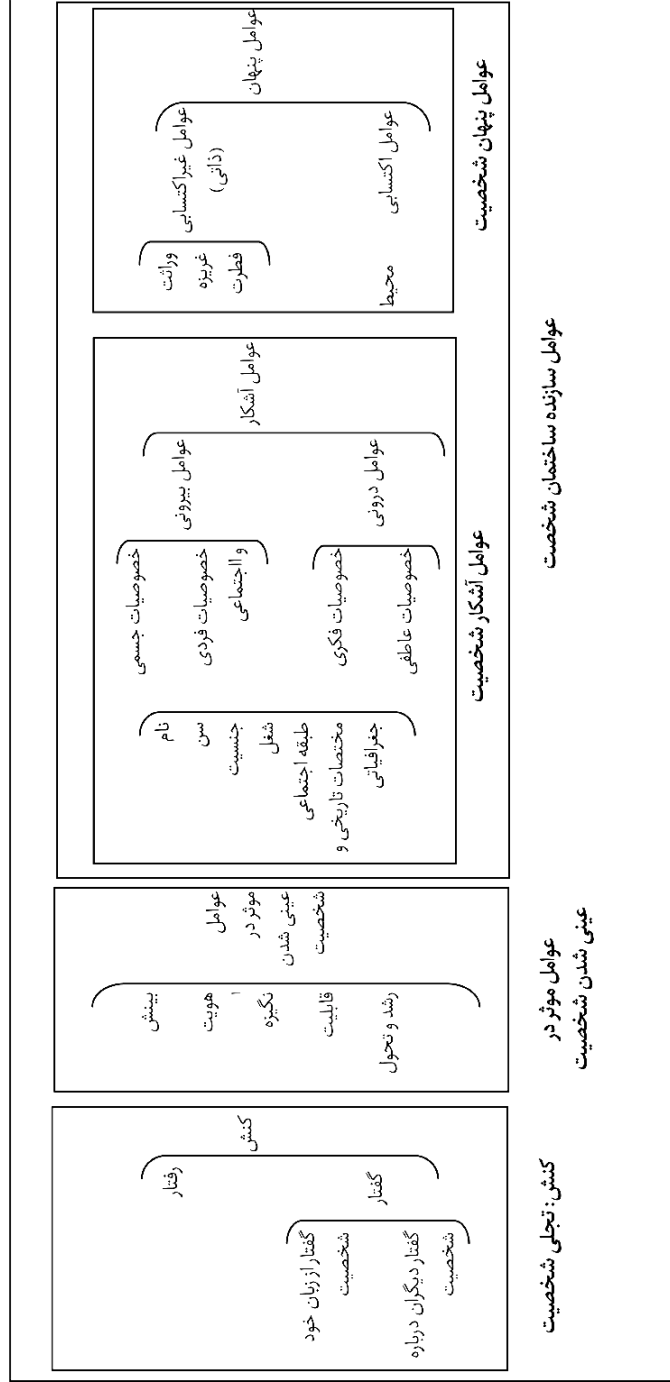
الف) عوامل سازنده ساختمان شخصیت نمایشی؛

ب) عوامل مؤثر در عینیت یافتن شخصیت نمایشی؛

ج) تجلی شخصیت: کنش.

هر یک از این بخش‌ها دارای عناصر و اجزایی است که شیوه ارتباطشان در نمودار نشان داده شده است.^{۱۴} مجموعه این فرایندها از مرحله شکل‌گیری تا مرحله تجلی شخصیت با عنوان «شخصیت‌پردازی» در فیلم‌نامه داستانی شناخته می‌شود.

شخصیت نمایشی



نمودار شماره یک: بخش‌ها و اجزاء شخصیت نمایشی

یافته‌های تحقیق

برای مشخص کردن شخصیت نمایشی امام مهدی علیه السلام، باید شخصیت واقعی ایشان را از نظر وجود «عوامل سازنده شخصیت نمایشی» بررسی کرد. وضعیت شخصیت در زمان حال، در گذشته او ریشه دارد. بنابراین، برای شناخت حال و آینده او باید گذشته وی را شناخت. لزوم شناخت گذشته یا زندگی‌نامه امام مهدی علیه السلام در دوران غیبت کوچک، برای پی بردن به جنبه‌های مختلف شخصیت ایشان در دوران غیبت بزرگ، امری حیاتی محسوب می‌شود؛ زیرا این بخش، تنها پل ارتباطی ما برای شناخت شخصیت ایشان در دوران غیبت بزرگ است. از طریق شناخت این دوره می‌توان تا حدودی با چگونگی شکل‌گیری ساختمان شخصیت ایشان آشنا شد. با توجه به اطلاعات موجود در احادیث مهدوی، زندگی‌نامه امام مهدی علیه السلام را به چهار دوره می‌توان تقسیم کرد:

الف) پیش از تولد حضرت مهدی علیه السلام؛

ب) از تولد حضرت مهدی علیه السلام تا فوت پدر بزرگوارشان، امام حسن عسکری علیه السلام؛

ج) از فوت پدر تا پایان غیبت کوچک (آغاز امامت حضرت مهدی)؛

د) دوران غیبت بزرگ امام مهدی علیه السلام.

امام مهدی علیه السلام میراث‌دار خصوصیات جسمی و خلقی پدران بزرگوارش است. انتقال ژنی صفات والدین به فرزند، تنها به خصوصیات جسمی و ظاهری محدود نمی‌شود. روان‌شناسان بر این عقیده‌اند که ویژگی‌های ذهنی نیز از طریق والدین به فرزند انتقال می‌یابد. علاوه بر این، ممکن است خصوصیات از شخصیت بر اثر تکرار و تداوم به صورت عادت شخصی او در آمده باشند که امکان انتقال ژنی آن خصوصیت به فرزند او وجود دارد.^{۱۵} پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، امام مهدی علیه السلام را فرزند خود معرفی می‌کند که خصوصیات جسمی و روحی او شبیه به ایشان است.^{۱۶}

برخی خصوصیات اخلاقی و رفتاری میان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله مشترک بوده است. به همین دلیل، این خصوصیات مشترک میان معصومین علیهم السلام که بخشی از کنش ایشان بوده _ در شخصیت حضرت مهدی علیه السلام نیز موجود است.

رفتار غریزی در انسان، امری بدیهی است.^{۱۷} خصوصیات غریزی جزو فرایندهای حیاتی و فیزیولوژیکی بدن انسان محسوب می‌شوند. واکنش‌هایی همچون خشم، گرسنگی، تشنگی، ترس و ... رفتارهای غریزی هستند. امام مهدی علیه السلام نیز مانند هر انسان عادی دیگر رفتارهای غریزی دارد با این تفاوت که رفتار غریزی افراد به‌طور معمول در جهت حفظ حیات فرد است و در محدوده

«خودخواهی» یا «حفظ وجود» قرار می‌گیرد و اما غایت رفتار غریزی امام مهدی علیه السلام فراتر از محدوده خودخواهی است. از این رو، واکنش‌های غریزی حضرت در مرحله نخست در محدوده خودخواهی قرار می‌گیرد و عملکرد نهایی آن‌ها به عنوان زمینه و مقدمه رفتار «دیگرخواهی» ایشان است.

برای نمونه، یکی از واکنش‌های غریزی امام مهدی علیه السلام «ترس» و پنهان کردن خود از مردم است.^{۱۸} در نگاه نخست چنین تصور می‌شود که این رفتار امام برای حفظ سلامتی و جان خود از آسیب‌های احتمالی است، اما با توجه به هدف و مسئولیت اصلی ایشان در آخرالزمان، انجام چنین «رفتار احتیاطی»، لازم و بدیهی به نظر می‌رسد.

در مقابل خصوصیات غریزی انسان، خصوصیات فطری قرار دارند. فطرت، توانایی بالقوه‌ای است که می‌تواند زمینه حرکت انسان را در جهت کمال فراهم سازد. کمال‌گرایی از جمله گرایش‌های فطری محسوب می‌شود که در مورد شخصیت امام مهدی علیه السلام در قالب «عدالت‌خواهی» و «ظلم‌ستیزی» تجلی یافته است.^{۱۹} رفتار غریزی و فطری امام مهدی علیه السلام در طول هم و مکمل یکدیگر هستند.

محیط یا جامعه‌ای که حضرت مهدی علیه السلام در آن متولد شده و دوران مختلف زندگی‌شان را در آن جا سپری کرده‌اند، در شکل‌گیری ساختمان شخصیت حضرت نقش داشته است. امام علیه السلام همانند هر انسان دیگری با محیطی که در آن قرار دارند، دارای ارتباط و تعامل بوده‌اند. با این حال، ناامنی محیط زندگی ایشان منجر به بروز رفتار پنهانی حضرت شده است.^{۲۰}

با توجه به وضعیت تولد و زندگی پنهانی امام مهدی علیه السلام کسانی که در دوران غیبت کوچک، موفق به دیدن حضرت شده‌اند، معدود هستند. بخشی از اطلاعاتی که درباره خصوصیات جسمی حضرت به ما رسیده، از قول این افراد است. بخش دیگر آن به کلام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام مربوط است که سال‌ها پیش از تولد حضرت مهدی علیه السلام، خصوصیات جسمی و ظاهری ایشان را پیش‌گویی کرده‌اند.

سال‌ها پیش از تولد ایشان، اجداد و پدران بزرگوارش، نام، کنیه و لقب حضرت را بیان کرده بودند. نام ایشان، همانند جد بزرگوارشان _ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم _ «محمد» است.^{۲۱} پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دین اسلام را به مردم عرضه کرد. امام مهدی علیه السلام نیز پس از فراموشی دین، دوباره آن را زنده خواهد کرد. کنیه امام مهدی علیه السلام «ابوالقاسم» است؛^{۲۲} یعنی قسمت‌کننده. «مهدی» یکی از لقب‌های حضرت است. «مهدی» یعنی کسی که به وسیله خداوند به امر پوشیده، هدایت شده است.^{۲۳}

انسان در طول زندگی خود، دوران مختلفی را تجربه می‌کند و پشت سر می‌گذارد. هر دوره، مقدمه و زمینه‌ساز دوره بعدی است.

امام مهدی علیه السلام در نیمه شعبان سال 255 ه. ق در شهر سامرا _ شهری در کشور عراق فعلی _ به دنیا آمده‌اند^{۲۴} که تا زمان حال (1430 ه. ق)، سن ایشان 1175 سال است. ایشان تمامی مراحل شکل‌گیری شخصیت را سپری کرده فراز و فرودهای محیط را دیده و تجربه کرده‌اند. تجربه‌ها و دانش امام در این مدت طولانی در شکل‌گیری بینش ایشان بی‌تأثیر نبوده است. با استناد به سخن معصومین علیهم السلام، امام مهدی علیه السلام هنگام ظهورشان _ با وجود سن زیاد _ به صورت مردی چهل‌ساله نمایان می‌شوند.^{۲۵}

کنش امام مهدی علیه السلام در آخرالزمان به عنوان «منجی موعود» با جنسیت ایشان، «مرد» بودن حضرت متناسب است. علاوه بر وجود تفاوت‌های جسمی و ظاهری میان زن و مرد، وجود تفاوت‌های فکری، عاطفی و ... سبب تفاوت «قابلیت» و «کنش» ایشان نسبت به یکدیگر می‌گردد. میان تقدیری که خداوند برای انسان‌ها در آخرالزمان در نظر گرفته است، با شخصیت امام مهدی علیه السلام به عنوان یک مرد که مسئولیت انجام آن را به عهده دارند، تناسب وجود دارد. با توجه به موقعیت و نوع عملی که باید انجام شود؛ یعنی قیام و نبرد،^{۲۶} این مسئولیت با خصوصیت‌های «مردانه» ایشان متناسب است.

شغل امام مهدی علیه السلام، رهبری و هدایت جامعه مسلمانان است. با وجود پنهان بودن هویت حضرت _ ناشناس بودن _ سرپرستی و هدایت‌های ایشان در جامعه اسلامی جریان دارد.^{۲۷} هدایت‌های امام در دوران غیبت بزرگ، به دو صورت «تکوینی» و «تشریحی» است.^{۲۸} هدایت تکوینی امام، امکان تغییر و تصرف در نظام علی حاکم بر جهان را میسر می‌سازد و هدایت‌های تشریحی امام در حیطة قوانین و دستورهای زندگی مسلمانان جاری است. در این باره، وجود امام مهدی علیه السلام را همانند خورشید پشت ابر معرفی می‌کنند که با وجود پنهان بودن آن از نظرها، مردم از نور و گرمایش بهره می‌برند.^{۲۹} امام مهدی علیه السلام به طبقه اجتماعی «پیشوایان دینی» تعلق دارند. با توجه به منزلت این گروه نزد خداوند بزرگ، ایشان نزد مسلمانان نیز از محبوبیت و منزلت بالایی برخوردارند.^{۳۰} این گروه اجتماعی با توجه به شایستگی‌هایشان، مروج دین در میان مردم هستند. امام مهدی علیه السلام، آخرین بازمانده از نسل این بزرگواران است. این طبقه همانند دیگر گروه‌های اجتماعی، صفاتی برای افراد گروه خود تعریف کرده است که به‌طور مشترک در میان آنان دیده می‌شود و از آن جمله می‌توان به خصوصیات فکری و اخلاقی معصومین علیهم السلام اشاره کرد. صفات اخلاقی و رفتاری معصومین علیهم السلام به‌گونه‌ای است که همواره به عنوان الگوی دیگر گروه‌های اجتماعی مطرح بوده است. امام مهدی علیه السلام به‌عنوان فردی از طبقه «پیشوایان دینی» دارای همین خصوصیات هستند.

چگونگی رفتار شخص، از شیوه استدلال و افکار او اثر می‌پذیرد. امام مهدی علیه السلام دارای علم الهی است.^{۳۱} ویژگی علم امام علیه السلام آن است که نقص و اشتباه در آن راه ندارد. آن چه امام می‌داند، حدّ نهایی دانش است که مرتبه بالاتری برای آن موجود نیست. بنابراین، وقتی دانش امام مهدی علیه السلام در این حد از کمال قرار دارد، شناخت و بینش ایشان از وسعتی برخوردار است که هیچ نکته مبهم و تاریکی در آن راه ندارد. از این رو، کنش (رفتار و گفتار) حضرت، صحت و صلابت بی‌نظیری برخوردار است. تجربه یا خاطره فراگیری که از زمان تولد حضرت مهدی علیه السلام در زندگی ایشان جریان داشته، پنهان کردن هویت خود از دیگران است. واکنش عاطفی «خوف» و «احتیاط»، از رفتاری غریزی به رفتاری آگاهانه در شخصیت ایشان بدل شده است. بینش شخصیت، ترکیبی از دو عنصر «دریافت» و «تلقی» است.^{۳۲} دریافت، مجموعه اطلاعاتی است که از طریق حواس خود از محیط کسب می‌کنیم و تلقی به معنی برداشت شخصی ما از این اطلاعات است.

با بررسی گفتار (سخنان) امام مهدی علیه السلام^{۳۳} به وجود دو بخش اساسی در بینش ایشان آگاه می‌شویم: اول، شناخت فراگیر حضرت به زمان است که از علم الهی ایشان سرچشمه می‌گیرد. دوم، نقش این شناخت در زمینه‌سازی کنش (رفتار) اصلی حضرت است. شناخت گسترده و فراگیر از فراز و فرود زندگی انسان‌ها در طول تاریخ و شناخت آمال و نیاز آنان، زمینه‌ساز قیام عدالت‌گستر امام مهدی علیه السلام است.

هویت، عامل شناسایی فرد از دیگران است. هویت امام مهدی علیه السلام در قالب کنش محوری شخصیت ایشان به عنوان «نجات‌بخش» انسان‌ها تعریف می‌شود. امام مهدی علیه السلام به عنوان «منجی موعود» شناخته می‌شوند که این هویت در عوامل سازنده ساختمان شخصیت حضرت ریشه دارد. «نیاز» شخص به چیزی، «انگیزه» لازم را برای حرکت (کنش) در او ایجاد می‌کند.^{۳۴} بنابراین، هر عملی، معلول علتی و در پی رسیدن به غایتی است.^{۳۵} دین خداوند کامل نمی‌شود مگر آن که انسان و جامعه کامل نیز محقق شود. برقراری عدل و نابودی ظلم و فساد به‌عهده بزرگ‌مردی شایسته گذاشته شده است.^{۳۶} که همان امام مهدی علیه السلام است. علاوه بر این، حکومت‌های ظالم و فاسد، حق امام مهدی علیه السلام و پدران بزرگوارش را غصب کرده‌اند.^{۳۷} نیاز ایشان به احقاق حقوق ضایع شده خود و معصومین علیهم السلام، انگیزه لازم برای قیام «عدالت‌گستر» و «ظلم‌ستیز» ایشان را فراهم می‌سازد.

بخشی از قابلیت شخصیت امام مهدی علیه السلام برای ترسیم شخصیت نمایشی ایشان، به هویت حضرت و آگاهی مردم از آن باز می‌گردد. انسان‌ها به تغییر وضعیت موجود و بهبودی آن امیدوار هستند. هر فرد مذهبی، منتظر منجی موعود است. در دوران غیبت، میل ایشان به آگاهی از وضعیت زندگی و

شخصیت نجات‌دهنده، انکارناپذیر است. با توجه به این زمینه، شخصیت امام مهدی علیه السلام، به طور بالقوه توان مطرح شدن در فیلم‌نامه را دارند.

«رشد»، جریان پیوسته و آرام از دگرگونی و تغییر در ساختمان جسمی و فیزیکی شخصیت است،^{۳۸} اما «تحول» حاصل تغییر شناخت فرد نسبت به یک موضوع است. با توجه به علم امام علیه السلام، تحول شخصیت که مستلزم تغییر در بینش و شناخت فرد است، برای شخصیت ائمه علیهم السلام صادق نیست.^{۳۹} به عبارت دیگر، امام، صاحب علم الهی است که نقص و خطا در آن راه ندارد. از این رو، تصور تغییر و تکامل در علم الهی، منتفی است. در نتیجه، تحول در شخصیت امام مهدی علیه السلام به گونه‌ای که شناخت ایشان از نقص به سوی کمال حرکت کند، امکان‌پذیر نیست. با این حال، وجود عامل رشد و تغییر در شخصیت را در خصوصیات جسمی و سن امام مهدی علیه السلام می‌توان در نظر گرفت. «کنش» یعنی عمل شخصیت^{۴۰} و به دو صورت «رفتار» و «گفتار» تجلی می‌یابد. هر گونه رفتار شخصیت از نوع «کنش» محسوب نمی‌شود. رفتاری از شخص، کنش است که در نیاز، انگیزه، تصمیم و تقلای او ریشه داشته باشد. با توجه به هویت امام مهدی علیه السلام به عنوان منجی، رفتاری از حضرت به عنوان کنش ایشان محسوب می‌شود که در این هویت حضرت ریشه داشته باشد. یکی از کنش‌های امام مهدی علیه السلام در دوران غیبت بزرگ، پنهان کردن هویت خود از مردم است. این رفتار حضرت، در مسئولیت اصلی ایشان به عنوان «منجی موعود» ریشه دارد. رفتار پنهانی _ ناشناس بودن _ حضرت چند فایده دارد:

الف) حفظ سلامتی ایشان؛

ب) هنگام ظهور، بیعت هیچ شخص یا حکومتی را به عهده ندارند که مانع انجام مسئولیت‌شان شود؛

ج) امتحان شیعیان.

رفتار پنهانی حضرت به این معناست که ایشان، هویت خود را از مردم مخفی می‌کنند. از این رو، امام مهدی علیه السلام مردم را می‌بینند و می‌شناسند، اما مردم، حضرت را می‌بینند و نمی‌شناسند.^{۴۱} این دیدگاه بر اساس چهار گروه از احادیث مهدوی^{۴۲} بنیان گرفته است:

الف) آخرین نامه (توقیع) امام مهدی علیه السلام به نایب چهارم خود، ابوالحسن علی بن محمد سمری؛

ب) احادیثی که بر ناشناخته بودن حضرت در میان مردم دلالت می‌کنند؛

ج) احادیثی که به حضور ناشناس امام مهدی علیه السلام در مراسم حج اشاره دارند؛

د) احادیثی که علت غیبت امام علیه السلام را امتحان شیعیان معرفی می‌کنند.

با توجه به این چهار دسته از احادیث درباره ارتباط و مشاهده امام مهدی علیه السلام در دوران غیبت بزرگ، نکاتی را می‌توان به دست آورد:

الف) مشاهده (دیدن) امام مهدی علیه السلام که با شناخت همراه باشد، ممکن نیست. با این حال، دیدن بدون شناخت، امکان‌پذیر است.

ب) امام مهدی علیه السلام همانند یک انسان معمولی در میان مردم حضور دارند. ایشان، مردم را می‌بینند و می‌شناسند. مردم نیز ایشان را می‌بینند، اما نمی‌شناسند.

ج) یکی از مکان‌هایی که امام مهدی علیه السلام به صورت ناشناس در آن‌جا حاضر می‌شوند، مراسم حج است.

د) ایمان و عمل مسلمانان به دلیل غیبت امامشان، آزمایش می‌شود و تنها عده اندکی از آنان بر عقیده خود ثابت باقی می‌مانند.

بخش دیگری از کنش در قالب «گفتار» شخصیت، تجلی می‌یابد. منظور از گفتار، کلام شخص است. گفتار همانند رفتار این توانایی را دارد که خصوصیتی از شخصیت را بیان کند.

در «کنش کلامی» امام مهدی علیه السلام همان انگیزه‌ای که سبب رفتار پنهانی حضرت شده، در کلام ایشان نیز قابل بررسی است. اگر گفتار شخص الهام‌گرفته از انگیزه و در جهت ارضای نیاز او باشد، جزو کنش کلامی او محسوب می‌شود. بنابراین، آن بخش از گفتار امام مهدی علیه السلام که در هویت «نجات‌بخشی» و انگیزه «ظلم‌ستیزی» و «عدالت‌گستری» ایشان ریشه داشته باشد، جزو کنش کلامی حضرت محسوب می‌شود.

نتیجه

با مشخص شدن جنبه‌های مختلف شخصیت نمایشی امام مهدی علیه السلام فیلم‌نامه‌نویس با شخصیتی مواجه است که به «محدوده» شخصیت‌پردازی او اشراف دارد. برخی خصوصیات شخصیتی امام مهدی علیه السلام چنان ویژه هستند که شخصیت‌پردازی ایشان در فیلم‌نامه، وضعیت ویژه‌ای را می‌طلبد. از جمله این عوامل می‌توان به سن، خصوصیات فکری، رشد و تحول و کنش امام مهدی علیه السلام اشاره کرد. از میان این عوامل، کنش حضرت در دوران غیبت بزرگ مبنی بر «پنهان کردن هویت خود از دیگران»، در چگونگی شخصیت‌پردازی حضرت در فیلم‌نامه نقش مؤثری ایفا می‌کند. وقتی مردم در دوران غیبت بزرگ نمی‌توانند امام مهدی علیه السلام را ببینند و با ایشان ارتباط برقرار کنند، همین وضعیت در داستان فیلم‌نامه

نیز جریان خواهد داشت. از این رو، «در فیلم‌نامه‌ای که داستان آن در زمان حال (دوران غیبت بزرگ) می‌گذرد، نمی‌توان شخصیتی را با هویت مشخص به عنوان امام مهدی علیه السلام در نظر گرفت.» پنهان بودن هویت و ناشناس بودن امام مهدی علیه السلام، طیف گسترده‌ای از افراد، شامل شخصیت‌های درون داستان فیلم‌نامه تا بیننده فیلم را دربر می‌گیرد. به عبارت دیگر، پرداخت شخصیت امام مهدی علیه السلام در فیلم‌نامه باید به گونه‌ای باشد که شخصیت‌های درون داستان و همچنین بینندگان فیلم، به طور قطعی و مشخص، شخصیتی را به عنوان امام مهدی علیه السلام مشاهده و شناسایی نکنند. در غیر این صورت، ادعای آنان با احادیث مربوط به مشاهده نکردن امام مهدی علیه السلام و ارتباط نداشتن مردم با ایشان در دوران غیبت بزرگ، منافات خواهد داشت.

از طریق تحول بینشی و شناختی شخصیت اصلی فیلم‌نامه، «درون‌مایه یا فرضیه محوری» فیلم ثابت می‌شود. وقتی شخصیت امام مهدی علیه السلام نقش محوری در فیلم‌نامه دارد و امکان تحول شخصیت حضرت _ با توجه به علم الهی ایشان _ وجود ندارد، برای انتقال درون‌مایه می‌توان از داستان‌های فرعی یا تحول شخصیت‌های دیگر فیلم‌نامه که متأثر از شخصیت اصلی بوده‌اند، استفاده کرد.

شخصیت نمایشی امام مهدی علیه السلام به عنوان شخصیت اصلی و محوری فیلم‌نامه با شخصیت اصلی که در فن فیلم‌نامه‌نویسی (بر مبنای درام غربی) تعریف می‌شود، همسو نیست. از این رو، برای نگارش فیلم‌نامه با حضور شخصیت امام مهدی علیه السلام به گونه‌ای که داستان آن در دوران غیبت بزرگ جریان می‌یابد، به کارگیری الگوهای روایتی ویژه و مناسب با خصوصیات شخصیتی حضرت، ضروری است. مجموع کنش‌های حضرت در دوران غیبت بزرگ را با عنوان «کنش‌های امام زمانی» می‌توان در نظر گرفت. شخصیت نمایشی حضرت می‌تواند با استفاده از «کنش‌های امام زمانی» به طور غیرمستقیم در فیلم‌نامه مطرح شود.

برای مثال، به الگوهای روایتی زیر که برگرفته از برخی تشریفات است، توجه کنید:

الف) اگر شخصیت امام مهدی علیه السلام به گونه‌ای مسئله شخصیت‌های دیگر فیلم‌نامه باشد؛ یعنی کنش دیگر شخصیت‌ها به سوی حضرت جهت‌گیری شده باشد، در این صورت، ظهور نمونه‌ای از «کنش‌های امام زمانی» که در جریان داستان نقش داشته باشد، می‌تواند به وجود و حضور امام زمان علیه السلام دلالت کند.

ترسیم شخصیت امام مهدی علیه السلام به صورت که بیان شد، هنگامی عملی می‌شود که دیگر شخصیت‌های داستان فیلم از شخصیت حضرت، آگاهی داشته باشند ارتباط و مشاهده امام مهدی علیه السلام مسئله آنان باشد. به عبارت دیگر، شخصیت ناپیدای حضرت در داستان فیلم نقش محوری ایفا کند.

ب) اگر نمونه‌ای از «کنش‌های امام زمانی» به‌وسیله فردی «ناشناس» و گذری انجام شود و در جریان داستان و زندگی شخصیت‌ها، اثر بگذارد، آن شخص می‌تواند _ از دید بیننده فیلم _ امام مهدی علیه السلام فرض شود. به عبارت دیگر، «ما با شخصیتی مواجه می‌شویم که از هویت اصلی او بی‌اطلاع هستیم. با این حال، رفتار و گفتار این شخص به کنش امام مهدی علیه السلام شباهت دارد. شاید این شخص، خود حضرت باشد، اما به این مسئله اطمینان نداریم».

وضعیت فیلم‌نامه‌نویس در پرداخت چنین شخصیتی همانند بندبازی است که در ارتفاع مشغول راه رفتن روی طناب است. او چوب تعادلش را به‌گونه‌ای به‌چپ و راست حرکت می‌دهد که نه از این سوی طناب بیفتد و نه از آن سوی طناب.

فیلم‌نامه‌نویس در پرداخت شخصیت امام مهدی علیه السلام باید به‌گونه‌ای عمل کند که از نگاه بیننده، شخصیت ترسیم شده در مرز این‌که امام مهدی علیه السلام «هست» و «نیست» در نظر گرفته شود.

منابع

1. «اسلام و تصویر»، صلاح استتی، ترجمه: محمدسعید محمصی، فصل نامه نقد سینما، ش 8، تابستان 1375 ش.
2. امامت و رهبری، مرتضی مطهری، تهران، چاپ بیستم، 1376 ش.
3. امامت و مهدویت، لطف‌الله صافی گلپایگانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1375 ش.
4. تاریخ غیبت کبری (قسمت اول)، سیدمحمد صدر، ترجمه: حسن افتخارزاده، تهران، مؤسسه الامام المهدی _ بنیاد بعثت، 1361 ش.
5. تبدیل و تحول متن مذهبی به متن دراماتیک، مهدی ارجمند، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، 1378 ش.
6. تفسیر المیزان، سیدمحمدحسین طباطبایی، ترجمه: محمدجواد حجتی کرمانی، دوره 23 جلدی، تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء و مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم، 1376 ش.
7. خلق شخصیت‌های ماندگار: راهنمای شخصیت‌پردازی در سینما، تلویزیون و ادبیات داستانی، لیندا سیگر، ترجمه: عباس اکبری، تهران، سروش، کانون اندیشه، اداره کل پژوهش‌های سیما، چاپ دوم، 1380 ش.
8. چشم به راه مهدی ﷺ، جمعی از نویسندگان مجله حوزه، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، 1375 ش.
9. خورشید در قاب: پژوهشی پیرامون تصویرگری معصومین در سینما، رحمت‌الله امیدوار، تهران، سوره مهر (حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی)، 1384 ش.
10. در جست‌وجوی قائم، سیدمجید پورطباطبائی، قم، مسجد مقدس صاحب‌الزمان (جمکران)، 1370 ش.
11. روش‌یابی پژوهش‌های سینمایی، مسعود اوحدی، تهران، سلمان، 1379 ش.
12. «روش نوشتن گزارش پژوهشی»، عذرا خزائلی، جزوه آموزشی، تهران، کتابخانه دانشکده صدا

- و سیما، 1361 ش.
13. ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، ولادیمیر پراپ، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران، توس، 1368 ش.
14. شناخت عوامل نمایش: نگاهی اجمالی بر فرایند پیدایی نمایش و بررسی جامع اصول و مبانی متون نمایشی، ابراهیم مکی، تهران، سروش، چاپ سوم، 1380 ش.
15. «عرضه تصویر پیامبر اسلام بر روی پرده سینما»، جلال ال شرکاوی، ترجمه: محمدسعید محمصی، فصل‌نامه نقد سینما، ش 8، تابستان 1375 ش.
16. کتاب‌نامه حضرت مهدی علیه السلام، علی‌اکبر مهدی‌پور، قم، مؤسسه الهادی، 1375 ش.
17. مجموعه آثار استاد شهید مطهری (2)، مرتضی مطهری، تهران، صدرا، چاپ سوم، 1372 ش.
18. معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، مؤسسه المعارف الاسلامیه، با نظارت: علی کورانی، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1369 ش.
19. مقدمه‌ای بر مبانی: شخصیت‌پردازی در سینما، بررسی ساختار، تجلی و ابعاد شخصیت دراماتیک، مجید امامی، تهران، انتشارات برگ، 1373 ش.
20. مهدی موعود (جلد سیزدهم بحار الانوار)، محمدباقر مجلسی، ترجمه: علی دوانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیستم، 1361 ش.
21. «نمایش انبیاء و امامان در سینما از دیدگاه فقیهان»، فصل‌نامه نقد سینما، ش 15، تابستان 1376 ش.
22. «هدایت‌های حضرت مهدی علیه السلام (2)»، ابوالقاسم تجری گلستانی، فصل‌نامه انتظار، سال سوم، ش 7، بهار 1382 ش.

پی‌نوشت‌ها

* کارشناس ارشد تولید سیما، کارگردان تلویزیون. (Saeed.Bakhtiari@yahoo.com)

۱. مهدی موعود، ص 688.
۲. «روش نوشتن گزارش پژوهشی»، ص 3 - 4.
۳. روش‌یابی پژوهش‌های سینمایی، ص 29 و 30.
۴. «روش نوشتن گزارش پژوهشی»، ص 36.
۵. همان.
۶. مهدی موعود.
۷. معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام.
۸. مقدمه‌ای بر مبانی: شخصیت‌پردازی در سینما، بررسی ساختار، تجلی و ابعاد شخصیت دراماتیک، ص 15.
۹. همان، ص 16.
۱۰. خلق شخصیت‌های ماندگار: راهنمای شخصیت‌پردازی در سینما، تلویزیون و ادبیات داستانی، ص 14.
۱۱. همان، ص 16.
۱۲. همان، ص 20 - 21.
۱۳. همان، ص 61 - 62.
۱۴. مقدمه‌ای بر مبانی: شخصیت‌پردازی در سینما، بررسی ساختار، تجلی و ابعاد شخصیت دراماتیک.
۱۵. تفسیر المیزان، ص 505.
۱۶. مهدی موعود، ص 283 و 293.
۱۷. مجموعه آثار استاد شهید مطهری (2)، ص 167.
۱۸. مهدی موعود، ص 253.
۱۹. همان، ص 205.
۲۰. همان، ص 288.
۲۱. همان، ص 283.
۲۲. همان، ص 219 - 220.
۲۳. همان، ص 229.
۲۴. همان، ص 182.
۲۵. همان، ص 294.
۲۶. همان، ص 1124.
۲۷. امامت و مهدویت، ص 461 - 462.
۲۸. «هدایات‌های حضرت مهدی علیه السلام (2)»، ش 7، ص 296 - 297.

-
۲۹. مهدی موعود، ص 846 و 1253.
۳۰. همان، ص 361.
۳۱. همان، ص 352 - 353.
۳۲. مقدمه‌ای بر مبانی: شخصیت‌پردازی در سینما، بررسی ساختار، تجلی و ابعاد شخصیت دراماتیک، ص 55.
۳۳. مهدی موعود، ص 674، 688، 750، 1249 و 1250.
۳۴. مقدمه‌ای بر مبانی: شخصیت‌پردازی در سینما، بررسی ساختار، تجلی و ابعاد شخصیت دراماتیک، ص 62.
۳۵. شناخت عوامل نمایش: نگاهی اجمالی بر فرایند پیدایی نمایش و بررسی جامع اصول و مبانی متون نمایشی، ص 103.
۳۶. مهدی موعود، ص 1259 - 1260.
۳۷. همان، ص 228 و 240.
۳۸. مقدمه‌ای بر مبانی: شخصیت‌پردازی در سینما، بررسی ساختار، تجلی و ابعاد شخصیت دراماتیک، ص 70.
۳۹. امامت و رهبری، ص 73.
۴۰. ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، ص 53.
۴۱. تاریخ غیبت کبری (قسمت اول)، ص 39 و 42 - 44.
۴۲. چشم به راه مهدی علیه السلام، ص 45.